

## تلگرام به رهبر انقلاب در مورد حمله به نهضت

تلگرام شهری

### بسمه تعالی

حضور محترم رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی

با سلام و امتنان قبلی، برای مزید اطلاع و رفع شبهات محتمل اجازه می‌خواهیم تظلم خواهی و جریانی را با عرض معذرت به استحضارتان برسانیم و بذل عنایتتان را بخواهیم. یقیناً توجه فرموده‌اید که بعد از نطق قبل از دستور مورخ ۶۲/۵/۲۰ آقای مهندس بازرگان در مجلس شورای اسلامی و طرح مسئله انتخابات مجلس آینده جنجالی از اعتراض و هتاکی در همان جلسه و موجی از تحریف و سوءتعبیر، همراه با توهین و تهمت علیه ایشان و نهضت آزادی ایران در بعضی از روزنامه‌ها و مجلات و در مصاحبه‌های برخی از مقالات بالا برپا گردید که گویی اسم از آزادی بردن در جمهوری اسلامی ایران بعد از پنج سال و خواستار انتخابات آزاد بر طبق قانون اساسی شدن فعل حرام فاجعه آفرین و جرم نابخشودنی است و منطق و متانت باید با طعن و خشونت پاسخ داده شود. خوشبختانه از طرف مقام رهبری در خطاب به ائمه جمعه روز سوم آبانماه ۶۲ و همچنین از طرف آیه الله منتظری در روز بعد تذکر و تأکیده‌های به جا در اهمیت حیاتی انتخابات قریب‌الوقوع و ضرورت دقت به لحاظ موازین قانونی و آزادی و رعایت عدالت در میان داوطلبان، به عمل آمد، به طوری که گفتگوی از انتخابات و آزادی، از ممنوعیت و مجرمیت خارج گردید. ریاست جمهوری در مصاحبه خود با روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۸ مهرماه با اعلام اینکه «انتخابات آینده مجلس جزء آزادترین و پرشورترین و بهترین انتخابات خواهد بود» به گروهها اطمینان دادند که «دولت در کار آنها هیچ اخلالی نخواهد کرد و هرچه می‌خواهند در مورد کاندیداهایشان تبلیغات انتخاباتی کنند.» نهضت آزادی از ایشان تشکر نموده تذکر داد که لازمه قانونی بودن و آزادی انتخابات علاوه بر عدم انحصار به طرز فکر خاصی تأمین امنیت از طرف دولت نیز می‌باشد و همچنین اجازه و امکان روزنامه و اجتماع و استفاده بالسویه از رسانه‌های گروهی ضرورت دارد. مع‌الأسف و عصر همان روز جمعه ۶ آبانماه که در خطبه نماز جمعه فرموده بودند: «خدمت امام رسیده و به معظم له اطمینان داده‌ام که انتخابات با سالمترین و شیرین‌ترین شکل برگزار خواهد شد»، مردم تهران و کسانی که از خیابان استاد شهید مطهری عبور می‌کردند به عنوان طلیعه آزادی و آرامش و شیرینی موعود، شاهد غوغای عجیب و صحنه دلخراش در برابر ساختمان محل نهضت آزادی شدند. فریادهای ناسزا و شعارهای تهدید علیه سران نهضت و خود نهضت می‌شنیدند که منجر به حمله و هجوم به ساختمان و شکستن نرده‌ها و درها برای ورود به طبقات و اطاقها گردید. دفاتر نهضت را اشغال نموده، پرونده‌ها و کتابها و اثاث و اوراق را به پایین می‌ریختند. به در و دیوارها فحش و شعارهای سرخ نوشته و بر سر آقایان دکتر یزدی، مهندس صباغیان و مهندس توسلی ریخته به طور وحشیانه‌ای با مشت و لگد و ناسزاهای

رکیک شدیداً مضروب و مجروحشان ساخته معنای امنیت و حاکمیت قانون و شیرینی آزادی انتخابات را به آنان چشانند. اینها گروه مسلح و سازمان یافته‌ای بودند، سواره و پیاده در حدود سیصد نفر مجهز به وسایل لازم از جمله برای باز کردن گاوصندوق که در این نوع ضربات سابقه داشته‌اند و با بعضی از آن افراد در حمله لیل‌القدر سال قبل آشنایی پیدا کرده بودیم. اسفانگیزتر از هر چیز اینکه با وجود اطلاع و استمدادی که بلافاصله پس از تجمع آنها از کمیته مرکزی و شهربانی به عمل آمده بود و تلفنی که در آخرین لحظات خدمت جناب آقای مهدوی‌کنی برای نجات همکارانمان شد، مأموران اعزامی کمیته و سپاه و نمایندگان دادستانی انقلاب علاوه بر تعلق و تأخیر در حضور، از دخالت و ممانعت از عملیات تخریبی و غارت و ضرب و شتم متجاوزان خودداری می‌کردند و چنین می‌نمود که هماهنگی و همکاری وجود دارد. بهانه یا مستمسک این حمله و هجوم و خرابکاریها احتمالاً تحریکی بوده است که از طرف سخنران پیش خطبه نماز جمعه به عمل آمده، گفته بوده است که «ورشکسته‌های سیاسی قصد دارند راهپیمایی برپا کنند راهپیمایی ورشکسته‌ها که دلشان نسوخته بلکه دماغشان سوخته است...» در حالی که نه تنها قصد راهپیمایی وجود نداشت و دعوت برای یک سمینار در داخل ساختمان شده بود اصلاً به دلیل عدم موافقت وزارت کشور از برقراری سمینار صرف‌نظر کرده در ورودی نهضت را بسته و پرده‌ای آویخته بودیم که سمینار برگزار نمی‌شود. از اعضای نهضت کسی در ساختمان جز سه نفر آقایان فوق‌الذکر و سه نفر از جوانان که آنها نیز مضروب و سپس از طرف کمیته بازداشت شدند، حضور نداشت و این عده بنا به خواسته وزارت کشور برای همکاری با کمیته در برقراری نظم و آرامش آمده بودند. شش روز قبل کتباً به وزارت کشور و نیروهای انتظامی خبر از قصد تشکیل سمینار داده درخواست حفظ امنیت کرده بودیم. بعد از ظهر جمعه ضمن آنکه هیچگونه ابراز حرف و حرکت یا تجمع و تحریک از طرف نهضت و مدعوین به سمینار به عمل نیامده بود اصولاً نیت ما از چنین اقدام یعنی تمنا و تأمین آزادی انتخابات چیزی جز ایفای حق و وظیفه و خیرخواهی برای مملکت و انقلاب نبود زیرا که عقیده داشته و داریم که قانون اساسی میثاق ملی و اسلامی انقلاب و رکن حیاتی بقاء جمهوری اسلامی ایران است و تا انتخابات نمایندگان با رعایت صادقانه و اجرای عادلانه قانون اساسی در شرایط تساوی و آزادی انجام نگیرد، زحمات و مبارزات و فداکاریها و شهادتها به باد فنا رفته، دیکتاتوری و استبداد و استیلائی خارجی وارث غاصب انقلاب خواهد گشت و به فرموده خودتان دیکتاتوری تدریجاً پا باز می‌کند.

نهضت آزادی انتظار نداشت و مصلحت مملکت و آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی اقتضا نمی‌کرد که چنین رفتار خلاف اسلام و قانون و انسانیت با ما به عمل آید و به دنیا اعلام شود که در ایران آزادی و امنیت وجود ندارد. حتی اوامر رهبری و وعده‌های رسمی ریاست جمهوری با این سرعت و سهولت ندیده گرفته شود.

نمایندگان دادستانی انقلاب تهران نیز که حکم کتبی برای جلوگیری از ائتلاف اسناد نهضت و جمع‌آوری آنها داشتند آنچه را که متجاوزان به ساختمان و ضاربین فرصت نکرده بودند متلاشی و متفرق و خارج کنند به عوض آنکه به ما تحویل دهند یا اگر قرار است با خود ببرند می‌بایستی با حضور نمایندگان نهضت و صورت مجلس کردن بوده باشد، پس از اخراج سه نفر آقایان مصدومین و انتقالشان به خانه آقای مهندس صباغیان (ظاهراً در اثر دخالت و دستور جناب آقای مهدوی‌کنی) در سراسر شب اقدام به

جمع‌آوری و بردن آنها به دادستانی کردند که تجاوز دیگر و تصرف و تضییع حق محسوب می‌شود. با معذرت مجدد از تصدیع و تفصیلی که باعث و مقصر آن ما نبودیم، قضاوت در قضیه و اتخاذ تصمیم را به خودتان واگذار می‌نماییم.

چنین اعمال و برخوردهایی را که نهادهای غیرمسئول یا مقامات رسمی و رسانه‌های گروهی با ما دارند، اگر جلوگیری و جبران نشود طبعاً چنین تلقی خواهد شد که دستگاه حاکم خواسته است هر صدا و حرکت ناموافق با خود و عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر یا حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از ناحیه ملت را در نطفه خفه کند.

در هر حال نهضت آزادی ایران با آنکه حق و وظیفه شرعی دفاع از انقلاب اصیل و خدمت به جمهوری اسلامی را پافشاری برای تأمین آزادی انتخابات و تحقق حقوق افراد ملت می‌داند، مغرور به صحت تشخیص خود نبوده تعصبی ندارد و اگر رهبری انقلاب طرح مسئله انتخابات از طرف ما و خواستن آزادی واقعی و اجرای قانون اساسی را خلاف شرع و به زیان جامعه می‌دانند و انتخاب اصلح باید بدست گروه خاص صورت گیرد. صریحاً و مستقیماً ابلاغ فرمایند. ما در نهضت آزادی را بسته کناری خواهیم نشست.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضى.

تهران ۹ آبانماه ۱۳۶۲

با درود و دعای

نهضت آزادی ایران